

## فعالیت‌های اجتماعی زنان در عصر مشروطه

الهه فرحی<sup>۱</sup>

نسرین محمدی<sup>۲</sup>

### چکیده

در عصر مشروطه، آگاهی مردم در نتیجه تلاش روزنامه‌ها، روشنفکران و مواعظ علمای دینی در زمینه سیاسی و اجتماعی افزایش یافت، زنان از جمله افرادی بودند که به شرکت در فعالیت‌های اجتماعی در این زمان علاقه نشان دادند، مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی به بررسی فعالیت‌های اجتماعی زنان واهتمام آنان در وقایع مهم در عصر مشروطه پرداخته است. در نتیجه زنان که پیش از انقلاب مشروطه در متن جامعه منزوی بودند با آگاهی از راه روبرو شدن با جراید و روزنامه‌ها و هم‌چنین احساسات مذهبی حضور پویایی در جریان مشروطه خواهی داشتند، با آگاهی از حقوق و جایگاه اجتماعی شان دست به فعالیت‌های بیشتری در متن اجتماع زدند. هرچند که در ابتدای مشروطه با مخالفت‌هایی روبرو شدند ولی در ادامه با تلاش‌هایی که انجام دادند توانستند نقش خود را تثبیت کنند و با حضور در امر مدرسه‌سازی و روزنامه‌نویسی و تشکیل انجمن‌های زنانه به فعالیت‌های اجتماعی بپردازند. واژه‌های کلیدی: زنان، مشروطه، مدرسه، روزنامه، فعالیت اجتماعی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup> دانشجوی ارشد تاریخ مطالعات خلیج فارس، دانشگاه تهران. [elahefarahi@ut.ac.ir](mailto:elahefarahi@ut.ac.ir)

<sup>۲</sup> دانشجوی ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه تهران. [n.mohammadi1993@ut.ac.ir](mailto:n.mohammadi1993@ut.ac.ir)

## Women's social activities during the constitutional period

### Abstract

During the constitutional period, the sustained attempts of newspapers and intellectuals along with the preaches of religious scholars paved the way for promoting people's social and political awareness. In fact, women expressed an increasing interest in participating in social activities of that period. The present study, drawing on the descriptive-analytical method, aimed at investigating women's social activities during the constitutional period. The results of this study revealed that women who were secluded from the society before the constitutional revolution, became acquainted with newspapers and religious belief and showed active presence in the constitutional revolution. Furthermore, after becoming aware of their rights and their social position, women showed a growing interest in doing social activities in society. Although, at the outset of the revolution, they faced opposition, they managed to define their role in society and become engaged in activities, including establishing schools, journalism, and founding women associations.

**Keywords:** women, constitutional period, school, newspaper, social activity

### مقدمه

پیش از انقلاب مشروطه زنان در حوادثی حضور داشتند که زمینه‌های بعدی برای وقایع مشروطه بود. دلبستگی عمومی مردم به روحانیت و هم‌چنین پر رنگ‌تر شدن مفهوم وطن و مقاومت در برابر نفوذ خارج زنان را نیز به این صحنه‌ها کشاند، نقش زنان را می‌شود در جنبش‌های پیش از مشروطه ملاحظه کرد. واقعه‌ی تنباکو خود یکی از این موارد حضور زنان است که گزارشی از این حضور قابل ملاحظه در شهرهای متعدد ایران گزارش شده است در تبریز بیان شده است که زنانی مسلح در اعتراض به رژیمی آمده بودند و با دیگر شهرها تلگرافات متعدد تهدید آمیزی به تهران می‌فرستادند ولی حضور وسیع‌تر زنان در مشروطه دیده می‌شود، که مشروطه-خواهی خود با آگاهی تعدادی از مردم همراه شده بود این آگاهی با آشنایی با پیشرفت‌های صنعتی غربی و حاصل قرائت روزنامه‌های آزادی خواهانه بود، در بحث پیش رو به فعالیت زنان در جریان مشروطه اشاره می‌گردد، این فعالیت محدود به حضور اعتراضی و مسلحانه نیست بلکه ابعاد وسیع‌تری دارد. این‌که چرا زنان به مشروطه گرایش پیدا کردند و چه فعالیت‌هایی در این مورد انجام دادند.

### حادثه‌ی قوچان

این حادثه به مانند دیگر حوادثی که حس تظلم خواهی مردم را بیشتر می کرد، موضوع آسیب دیدگی حقوق زنان را نیز در محافل ایرانیان پیش می کشید و از جمله اعتراضاتی بود که بروز تفکر مشروطه خواهی را تشدید کرد. فروش دختران قوچانی به ترکمانان و آرامنه عشق آباد در بهار سال ۱۳۲۳ ه. ق در دوران حکومت آصف الدوله در خراسان و به اسارت رفتن زنان باشقانلو در ماه رمضان همان سال در حمله ترکمانان به ناحیه بجنورد در زمان حکمرانی سالار مفخم رخ داد اگرچه فقر رعیت و ظلم حکومت و حتی دختر فروشی واقعه بی سابقه نبود شرایط سیاسی زمان بازگویی این دو حادثه را به سرعت تبدیل به یکی از داستان های تظلم علیه دولت کرد فروش دختران قوچان حکایتی همه جانبه شد که از سر میزها نقل شد تا کاریکاتور ها و تصنیف های سیاسی به طنز و طرح بازنگاری شد این بازگویی ها نه تنها به برانگیختن مردم علیه استبداد و پیوستن آنان به صفوف مشروطه خواهان یاری رساند بلکه با ایجاد تأثر فضای همدلی بین آحاد مردم ملت آفرید. اهمیت ملی این داستان چنان شد که از نخستین ماه های تشکیل مجلس اول رسیدگی به ماجرای دختران قوچان یکی از موارد شکایات ملت علیه استبداد و یکی از راه های آفرینش قدرت ملی شد. (نجم آبادی، ۱۳۸۱: ۸) این مساله باعث شد که حتی پس از استقرار مشروطه و تشکیل مجلس، اعضای آن در صدد باشند که دختران فروش رفته را بازگردانند. این احساسات جریحه دار شده حتی در روزنامه هایی چون صور اسرافیل منعکس می شد (کسروی، ۱۳۸۳: ۲۷۸) تا آن جا که آصف الدوله هرگز در طی زندگی سیاسی خود اتهام همکاری با روس وانگلیس نخورده بود، در جراید مشروطه از او به عنوان وطن فروش یاد می شود. (نجم آبادی، ۱۳۸۱: ۲۹۴) در خراسان آصف الدوله از والیگری برکنار شد و با حقارت به تهران بازگشت. (کسروی، ۱۳۸۳: ۲۲۶) پرداختن به واقعه قوچان تلاشی برای توجه به زنان در تاریخ معاصر ایران است که بیشتر اوقات جای زنان در حادثه های تاریخی کمرنگ است. (نجم آبادی، ۱۳۸۱: ۲۹۱)

### بیداری زنان

یکی از زمینه هایی که باعث شد که مشروطه خواهی به خواست عموم تبدیل گردد آشنایی مردم با اندیشه های روشنفکرانه و اندیشه آموزش با شیوه های مناسب و آگاهی به شیوه غربی ها، وطن پرستی از راه جراید و روزنامه ها بود. (کسروی، ۱۳۸۳: ۳۹-۴۴) زنان در جامعه ایرانی نیروی بالقوه و پنهانی بودند. که مهارت های اجتماعی و فرهنگی را در سطحی محدود به دست آوردند. اما به دلیل نبودن شرایط اجتماعی و سیاسی مناسب نتوانستند جایگاه مناسب خود را در اجتماع به دست آورند. گسترش نسبی تحصیلات ابتدایی در جامعه عهد قاجار و انتشار روزنامه ها، سطح آگاهی اجتماعی را نسبت به گذشته ارتقا داد و مردم به بسیاری از مسائل سیاسی و فرهنگی آگاهی یافتند و در مورد اتفاقات مختلف حساسیت هایی را نشان دادند. از سوی دیگر، عموم مردم با طبقه روحانیان پیوند عمیقی داشتند و روحانیان بسیاری از مشکل های اجتماعی را حل می کردند آنان در

خطابه های مذهبی، اخبار و اطلاعات سیاسی مردم را به عهده می گرفتند زنان نیز به دلیل حضور در این جلسات، تحت تاثیر این ارتباطات قرار می گرفتند. (دولت آبادی، ۱۳۷۱: ۱۰۵) تحرکی بین عده ای از زنان با ورود افکار نوین آغاز گشت در دوران سلطنت مظفر الدین شاه ورود روزنامه های چاپ خارج مجاز شده بنا براین بیشتر این نشریات در دسترس همگان از جمله زنان خانواده های روشن فکر قرار گرفت. زنان با این قبیل اطلاعات که از راه مطبوعات در سایر کشورها به روستا می آمدند درباره وضعیت خود در ایران و مقایسه آن با خارج به فکر فرو می رفتند. (اتحادیه، ۱۳۸۹: ۵۰) در روزنامه هایی که در خارج از ایران منتشر می شد، مطالبی در مورد زنان هم انعکاس پیدا می کرد، به مانند روزنامه ثریا که در یکی از شماره های این روزنامه بر این تاکید کرده که زنان نیز چون مردان باید در متن اجتماع دارای حق و شان باشند و این مفهوم حتی در عرفان هم تجلی پیدا کرده است، مصداق آن را زن عارفه ای به نام رابعه دانسته است. (ناهد، ۱۳۶۰: ۲۸) زنان نیز از این راه با این مفاهیم آشنا گشتند و نگاه انتقادی در این مورد گسترش یافت به صورتی که ما چنین زمینه ای را در خاطرات کسانی چون تاج السلطنه یکی از دختران ناصرالدین شاه قاجار می بینیم «پس اصلاحات اجتماعی یک قوم، مبدع سعادت یک ملت، معنی آب های شیرین و گوارای زندگانی یک طایفه، امید وصول به کاروان تمدن عصر حاضر، منوط به اصلاح حال زنان و تربیت آنان است که ایشان اطفال خود را خوب تربیت کرده و نتیجه می گیرد که نسل انسانی بدینسان روبه پیشرفت و تکامل می رود» (تاج السلطنه، ۱۳۶۱: ۱۱) تاج السلطنه با حسرت وضع کنونی زنان جامعه خود را با اوضاع غرب مقایسه می کند و وضع زنان غربی را آرمان خویش تلقی می کند که در عرصه های اجتماعی حضور پیدا کرده اند «زنان در حالتی که از دور تماشا می کنند، در روز نامه ها می خوانند که زن های حقوق طلب در اروپا چه قسم از خود دفاع کرده و حقوق خود را با چه جدیتی می طلبند حق انتخاب می خواهند، و حق رای در مجلس می خواهند. دخالت در امور سیاسی و مملکتی می خواهند» (همان: ۹۸) یکی از ارامنه های قفقاز که جزو مجاهدین و آزادی خواهان ایران بود، از چند نفر خانم های ایرانی که از خانواده های سلطنتی بودند روی کاغذ پرسش های خود را طرح کرد: ۱. حق مشروطه چیست؟ ۲. استبداد بهتر است یا مشروطه؟ ۳. راه ترقی ایران چیست؟ ۴. تکلیف زن های ایرانی کدام است؟ که تاج السلطنه به راحتی به آن ها جواب داده بود. (همان: ۹۹) مردم به تدریج از عقب افتادگی کشور و زبان های سلطه غرب و آثار استعمار آگاه شدند. روزنامه ها درباره مسائل اجتماعی و سیاسی و روابط بین الملل تجارت و پیشرفت علوم مطلب می نوشتند و آگاه کردن مردم تاکید داشتند آن ها هر چند اشاراتی به تحصیل دختران و شرایط زنان در خارج مملکت داشتند این افکار در تبریز تأثیر گذاشت به خصوص که خطر همسایه شمالی و نفوذ روزافزونی در کشور حس می کردند بنابراین عده ای به فکر چاره افتادند و حرکتی را آغاز کردند که اثرات آن ها بعدها در انقلاب مشروطه ظاهر گشت. تحصیلات دختران در تبریز کماکان بسیار ابتدایی و مختصر بود که در خانه و نزد معلمان خصوصی انجام می شد شاید تحت تأثیر مدارس مبلغان دینی که برای

دختران اقلیت مسیحی که فرانسویان دایر کردند گروهی نیز به طور خصوصی زبان فرانسه می-آموختند مبلغان مذهبی اغلب کاتولیک بودند و دختران مسلمان به این مدارس راه نداشتند. (اتحادیه، ۱۳۸۹: ۵۱) توجه به تحصیل و تربیت زنان نیز از پیامدهای مشروطه‌خواهی بود که بین روشنفکران پیش آمده بود. سده ۱۹ میلادی، هم زمان با تحولات سریع در تجارت، صنعت و وسایل ارتباطی در اروپا و حضور اروپایی‌ها در مشرق زمین، ایران نیز دستخوش تغییرات و تحولات اجتماعی بسیاری شد از جمله مهم‌ترین تغییرات به وجود آمده، تغییر در نظام آموزش و پرورش به خصوص نظام تعلیم و تربیت زنان بود که تا آن زمان دولت در آن دخالت چندانی نداشت. آشنایی با نخستین تلاش‌هایی که در زمینه آموزش دختران صورت گرفته، نشان دهنده راه پر پیچ و خم ناهمواری است که در این مسیر جامعه ایران طی کرده است. (فاریابی، ۱۳۷۸: ۷) در آغاز سلطنت مظفرالدین شاه پیشرفت‌هایی در زمینه تحصیل پسران انجام گرفت انجمن معارف تشکیل شد و چند مدرسه پسرانه نیز افتتاح شد ولی هیچ اقدامی برای دختران انجام نگرفت. قبل از انقلاب مشروطه آیت‌الله طباطبایی مخالفت خود را با مدرسه دختران به علت ناامنی جامعه توجیه کرد و کوشش میرزا حسن رشیدی که از اولین کسانی بود که در راه تاسیس مدارس جدید پسرانه و دخترانه اقدام کرد و جزو انقلابی‌های مشروطه بود بی‌نتیجه ماند و او نتوانست مدارس دخترانه را تاسیس نماید در آغاز انقلاب مشروطه نیز با تأسیس مدارس مخالفت‌هایی شد ولی این بار چندان تأثیری نداشت، زیرا ماده ۱۹ متمم قانون اساسی به تأسیس مدارس به خرج دولت و تحصیل اجباری را تضمین کرده بود از طرفی نیز زنان و طرفداران آنان مدعی بودند که پیامبر اسلام تحصیل را برای زنان واجب شمرده بود. مهم‌ترین دستاورد مشروطه برای زنان مسأله تحصیل بود که از این پس گسترش یافت. (همان: ۸۲) حتی زنانی مثل تاج السلطنه به این نتیجه رسیده بودند که حس وطن‌خواهی در زنان در مکان‌هایی مثل مدرسه پرورش می‌یابد. «ریشه راستی و درستی و دلیری و حب وطن و سودای سعی و عمل در خانه و مدرسه می‌روید با مراقبت باغبان مهربان خانه و آموزگار هوشیار و مدرسه این از جمله مواهب و مختصات است که خداوند به زنان ارزانی فرمود». (تاج‌السلطنه، ۱۳۶۱: ۱۱) «مثل این که اغلب خانواده‌ها، در امروزی که به یک اندازه راه ترقی برای نسوان باز شده می‌گذارند می‌توانند دخترها را در مدارس بگذارند که دخترها به مدرسه بروند. آن بیچاره‌ها را در خاک هلاک و بدبختی پرورش می‌دهند و غفلت دارند از این که این-ها باید مادر اولادها باشند و اولادهای آن‌ها باید در تحت حمایت این‌ها تربیت بشود». (همان، ۹۹).

### نقش زنان در انقلاب مشروطه

در حوادث متعددی که باعث شد مشروطه رقم بخورد توده مردمی نقش قابل ملاحظه‌ای در این حوادث داشت و نمی‌شود درعین حال نقش زنان را نیز نادیده گرفت. شجاعتی که زنان ایرانی در

زمینه مشروطه‌خواهی و وطن پرستی از خودشان نشان دادند از چشم نویسندگان خارجی چون مورگان شوستر هم دور نماند در تهران معروف بود که هر وقت زن‌ها برخلاف کابینه یا دولت، بلوا و شورش می‌کنند، حالت کابینه و دولت بسیار خطرناک و سخت خواهد شد. زنان ایران با هیجان و حرارت قلبی برای محافظت آزادی و محبت فوق العاده وطن خود، آخرین اقدامی که آنان را بر مردان تفوق و برتری داده و دلیل شجاعت و وطن‌پیشانی بود، به عرصه ظهور رساندند. (شوستر، ۱۳۶۸: ۲۳۹) «زنان ایران از سال ۱۹۰۷ به یک جنبش بسیار ترقی نموده بودند. اگر چه از حزب رادیکال به شمار نیامده بودند و ترقی آنان ذاتی و اصلی نبود ولی با این حال از ترقی‌یافتگان عالم محسوب می‌شوند آن اقدامات زنان، خیالات عقب‌افتاده قرن‌ها را خراب و فاسد نمود و هیچ خللی هم به صحت این قول وارد نمی‌شد که آن وقایع طبیعی و حقیقی بود زنان برای زنده‌نگه‌داشتن روح آزادی و کوشش‌های بسیار می‌کردند یکی سیاسی و دیگری تمدنی و معاشرتی در ظرف مدت پنج سال، یعنی پس از آن انقلابی که زنان ایران بدون خونریزی به آرزوهای خود رسیدند.» (همان: ۲۳۶)

حرکت عده‌ای از زنان که اغلب از خانواده‌های روشن‌فکر طبقه متوسط جامعه بودند توسط پدران، برادران و شوهران‌شان که فعال سیاسی و مشروطه‌خواه بودند تشویق می‌شد، مشروطه به صورت خواست عمومی در آمده بود. (اتحادیه، ۱۳۸۹: ۸۸) نمی‌شود وابستگی توده مردم را به روحانیت و علما نادیده گرفت چرا که بسیاری از امور مذهبی به ایشان وابسته بود زن‌ها هم از این حالت مستثنی نبودند حمایت زنان را از روحانیانی که به اعتراض دولت به تحصن رفتند و به شاه عبدالعظیم پناه بردند میشود دید. (شیرودی، ۱۳۸۴: ۸۲) زنان در حمایت از علمایی که به تحصن رفته بودند گرد کالسکه شاه را گرفته بودند، و فریاد می‌زدند: «ما آقایان و پیشوایان دین را می‌خواهیم .. عقد ما را آقایان بسته‌اند، خانه‌های ما را آقایان اجاره میدهند ... ای شاه مسلمان بفرما رؤسای مسلمانان را احترام کنند .. ای پادشاه اسلام اگر وقتی روس و انگلیس با تو طرف شوند شصت کروور ملت ایران، به حکم این آقایان جهاد می‌کنند. (کسروی، ۱۳۸۳: ۶۹) از دیگر اقدامات زنان تلاش برای حفظ جان علما بوده است، زنان ضمن همراهی با مردان در آوردن علما به مسجد برای سخنرانی، گاهی مسئولیت حفظ جان آن‌ها را هم بر عهده داشتند، حتی زنانی چون همسر حیدرخان تبریزی با چماق‌هایی که در زیر چادر پنهان می‌ساختند می‌کوشیدند مانع هرگونه اغتشاشی به هنگام سخنرانی شوند. (شیرودی، ۱۳۸۴: ۸۳) با مقاومت حکومت در برابر اعتراض بست‌نشینان به زیارتگاه حضرت عبدالعظیم رفتند در آن جا زنان وظیفه محافظت از بست‌نشینان را در مقابل نیروهای دولتی برعهده داشتند. در این ماجرا از بیرون آمدن زنان جلو گرفتند و هر که را که از ایشان می‌دیدند می‌گرفتند که البته برخی از آنان دستگیر و زندانی شدند. (کسروی، ۱۳۸۴: ۱۰۱)

حرکت و حمایت زنان در مهاجرت عظیمی نیز ادامه یافت در هنگام مهاجرت روحانیان به قم در میان جمعیت زنی دیده می‌شد که مقنعه خود را بر سر چوپ کرد که از این به بعد عقد دختران مسلمان را باید مسیو نوز بلژیکی ببندد (ملک زاده، ۱۳۳۹: ۱۶۰) این حمایت از علما وابستگی به

ایشان چنان بود که کسروی می گوید عده ای از زنان و مردان دور علما را گرفته و می گریستند. (کسروی، ۱۳۸۴: ۱۰۱) «در دوران سلطنت مظفرالدین شاه و آغاز نغمه های مخالف با استبداد علما به عنوان اعتراض به سیاست های شاه و درباریان در مسجد شاه بست نشستند که زنان در این پیش آمد نیز پا در میان داشته اند و در آوردن ملایان به مسجد با مردان همراهی می کردند در مسجد کسانی نیز از آنان می بودند.» (همان: ۹۷) در ماجرای کشته شدن سید عبدالحمید، زن های تهران هم در این قیام شرکت کردند و مردها را به یاری شورشیان و مظلومان تشویق می کردند و در کوچه و بازار با فریاد دلخراش به دولتی ها ناسزا می گفتند و نفرین می کردند. (ملک زاده، ۱۳۷۱: ۳۵۵) یاری و کمک زنان را در ماجرای که برای پیشبرد مشروطه و در اعتراض به ستم های دولت در سفارت متحصن شده بودند می بینیم، در کتاب «خاطرات من» آمده است: «امروز انتشار پیدا کرد که زن ها خیال اجتماع دارند برای این که شوهران شان مدتی است که در سفارتخانه مانده اند و نیز از طرف تجار مبلغی تهیه و برای شاگردهای شان فرستادند که در زحمت می باشند امروز یک زن ناشناس آمد در سفارتخانه و حاجی محمد تقی را خواست و یک بسته اسکناس به او داد و گفت این پول برای مخارج متحصنین است.» (ناهی، ۱۳۶۰: ۶۰) زنان حتی زمانی که مشروطه استقرار یافته بود و مجلس اول تشکیل شده بود با آرمان ها و اهداف مشروطه همراهی می کردند و از کمک به تثبیت و رسیدن به تحقق اهدافش دریغی نداشتند اساسنامه بانک ملی با سی کرور سرمایه به تصویب مجلس رسید و برطبق نظامنامه هرکس می توانست از پنج تومان تا پنجاه هزار تومان سهام بانک را خریداری نماید مردم برای پیشرفت بانک احساساتی از خود نشان دادند که در ایران سابقه نداشت و جز احساساتی که در نتیجه تحولات نو پیش آمده بود، عامل دیگری که می توانست چنان علاقه مندی به مملکت در قلوب مردم ایجاد کند، زن ها زینت آلات خود را فروخته و سهام بانک را خریدند، طلاب مدارس کتاب های خود را فروختند و به بانک کمک کردند. روزی در پای منبر سید جمال الدین واعظ، زنی برخاست و گفت دولت ایران چرا می خواهد از دولت های خارجی پول قرض کند مگر ما مرده ایم، من یک زن رختشوی هستم و به سهم خود یک تومان می دهم. (ملک زاده، ۱۳۷۱: ۴۰۳) و البته باز این ابراز احساسات خاضعانه را می توان تحت تأثیر کلام واعظ مشهور سید جمال اصفهانی تبیین کرد، او چنان در این وعظ که از زیان های وام گرفتن از خارجه و فواید تأسیس بانک سخن می گفت مردم را تحت تأثیر خود قرار داده بود و زنان را به این کار واداشت. (یغمایی، ۱۳۷۶: ۴۵) پس از صدور مشروطیت از سوی مظفرالدین شاه، نخستین دغدغه مردم و انقلابیون تدوین قانون اساسی بود و شورش هایی که به راه افتاد و زنان تبریز هم در برخی کوی های در مسجدها گرد آمدند و شورش را از خود نشان دادند. «روز چهارشنبه بیست و چهارم اردیبهشت در این جا نکاتی پدیدار شد به این صورت که گروهی از زنان برای طلبیدن قانون اساسی به مجلس رفتند. وخواستار تکمیل قانون اساسی در نمایندگان خود شدند. این بار دیگر بود که زنان روپوشیده

ایران دچار چاقچور، هم‌پایی در جنبش آزادی می‌کردند و پیداست که آنان را برانگیخته بودند. مجلس با این نمایش نیز ارجی ننهاده و به زنان پاسخ داد شما محرکی دارید.» (کسروی، ۱۳۸۴: ۳۱۳) یکی از سازمان‌های زنانه که فعالیت زیر زمینی داشت و به اتحادیه غیبی نسوان معروف بوده است طی نامه‌ای که به روزنامه ندای وطن فرستاده، از نمایندگان ملت خواسته است هرچه فوری متمم قانون اساسی را تدوین و تصویب کنند و به بی‌سامانی کشور خاتمه دهند. (ناهدی، ۱۳۶۰: ۶۳) زنان تبریز برای تدوین و تصویب متمم قانون اساسی، سخت در تلاش بودند در نامه انجمن غیبی تبریز به نمایندگان آذربایجان آمده است «تمامی اهل شهر در هیجان اند، حتی طایفه نسوان با بچه‌های خودشان درمساجد گرد آمده اند، زن‌های شیراز نامه نوشتند که اعیان و اشراف مانع تدوین و تصویب قانون اساسی اند، پس علیه آنان انقلاب کنید.» تعدادی از زنان ماکو در اعتراض به عدم تدوین متمم قانون اساسی با اقدام اقبال السلطنه کشته شدند که این امر اعتراض زنان اصفهان را در پی داشت. (شیرودی، ۱۳۸۴: ۸۶) زمانی که نمایندگان مجلس می‌خواستند در مواجهه باخواست روس‌ها تسلیم شوند، زنان تصمیم گرفتند که به آن‌ها اعتراض کنند و حتی در زیر چادرهای شان اسلحه داشتند و نمایندگان مجلس را تهدید کردند که خواست روس‌ها را نپذیرند. «زنان طبانچه‌های خود را برای تهدید نمایش دادند و نقاب‌ها را پاره کردند و دور انداختند و اراده و عزم آخر خود را اظهار کردند که اگر نمایندگان مجلس در انجام اصول مشروطه و حفظ و نگهداری شرف ملت ایران، تردید کنند مردان و فرزندانشان خودمان را کشته و اجسادمان را همین جا می‌اندازیم.» (شوستر، ۱۳۶۸: ۲۴۱) البته حضور زنان در جریان مشروطه همیشه به صورت موافق با زمینه‌های مشروطه‌خواهی نبود گاه کسانی که مخالف مشروطه بودند زنان را ابزاری برای بدنام کردن مشروطه می‌کردند «این ایام مستبدین محرک شده‌اند زن‌های فاحشه را که ملبس به لباس مردانه بودند در کوچه و خیابان راه بروند تا این که مقدسین بگویند این کار از لوازم مشروطیت است.» (کرمانی، ۱۳۸۴: ۴۳۲) یکی از راه‌های مخالفان مشروطه برای بدنام کردن مشروطه‌خواهان و متهم کردن آن‌ها به بددینی این بود که نظمی جمعی از زنان فاحشه را باید با پول جمع می‌کرد و در خفا به آن‌ها دستور می‌داد که به حال اجتماع در میان روز که خیابان‌ها و بازارها پر از جمعیت است، با حجابی نامناسب به بازارها رفته و فریاد بکشند، زنده باد مشروطه، زنده باد آزادی مشروطه به ما آزادی داد و ما باید از قید دینی آزاد باشیم و هرطور میل داریم زندگی کنیم هدف مخالفان مشروطه این بود که به این وسیله مردم متعصب را بر ضد مشروطه قیام بدهند و به آن‌ها بفهمانند که اگر از این سیل جلوگیری نکنند فردا زن‌ها و دخترهای آن‌ها هم به مانند زن‌های دوره‌گردی و بدنام خواهند افتاد. (ملک زاده، ۱۳۷۱: ۵۰۵) در میان افرادی که اجتماعاتی را بر ضد مشروطه برپا می‌کردند، حضور زنان تهییج شده نیز دیده می‌شود جمعی از معترضان مشروطه ملاکان ورامین بود که با اجتماعی که ایجاد کرده بودند مشروطه‌خواهی را معایر با دین نشان می‌دادند و زنان درکنار مردان شعار ما مشروطه نمی‌خواهیم و دین نبی را می-



خواهیم فریاد می زدند و در حالی که احساساتشان به جوش آمده بود می گریستند/ (عین السلطنه ، ۱۳۷۴: ۱۸۶۳) با توطئه علیه مشروطه توسط مستبدان و شخص محمدعلی شاه قاجار و سرنگون کردن مجلس و قتل مشروطه خواهان عده کثیری از مردم وارد قیام مسلحانه شدند که حضور زنان نیز در این جنبش به چشم می خورد (شیرودی، ۱۳۸۴: ۸۷) به همان صورت که مردان تبریزی قدم های نخستین را در راه مبارزه و مقاومت در برابر استبداد محمدعلی شاه برداشتند حضور زنان در میان این معترضان قابل ملاحظه است، زمانی که شاه عین الدوله را برای تصرف تبریز فرستاد، او به محاصره شهر دست زد. در محاصره یازده ماهه تبریز، زنان به پختن غذا، دوختن لباس، بافتن جوراب، خیر رسانی جنگ، پرستاری از مجروحان و حتی جنگ با لباس مردانه در میدان رزم پرداختند (همان) کسروی از تیر خوردن یکی از زنان در جنگ تبریز گزارش می دهد و این به معنای حضور فعال تعدادی از زنان در جنگ مقابل با مستبدان بوده است (کسروی ، ۱۳۸۳: ۸۸۴) یکی از این زنان عزت الحاجیه مادر کلنل تقی خان پسیان بود، زنی که وقتی خبر مرگ پسرش را آوردند مجلس جشن ترتیب داد، و خود لباس سفید پوشید و به کسی اجازه نداد، لباس سیاه برتن کند در بین زنان مبارز تبریز، زنانی از گیلان و کردستان دیده می شد که گاه در بین آنان پیرزن شصت و هفت ساله و دختر سیزده و چهارده ساله هم به چشم می خورد ( شیرودی ، ۱۳۸۴: ۸۷) در ماجرای مشروطه طلبان تبریز، شاگردان مدارس با پرچم ها و زن ها به طور دسته جمعی در این اجتماعات شرکت می کردند و نجات آذربایجان را از مجلس می خواستند این یک صحنه از صدها صحنه ای است که در دوره مشروطه صغیر تا پیش از توب بستن مجلس همه روز در تهران برپا بود. (ملک زاده ، ۱۳۷۱: ۴۴۹) اگرچه نقش برجسته مبارزه زنان با محمدعلی شاه مستبد با زنان تبریز بود ولی زنان شهرهای دیگر نیز به ایفای نقش پرداختند از جمله زمانی که محمد علی شاه مجلس را به توپ بست و برخی جوانان را که جزو مدافعان مجلس بود را به قتل رساند. مردان جرئت نمی کردند جنازه های افتاده بر زمین شان را بردارند تا دفن کنند بلکه این زنان بودند که این همت را داشتند و مقتولین را به خاک سپردند. (شیرودی ، ۱۳۸۴: ۸۱) در آن زمان زن های روشن فکر و مشروطه خواه انجمن هایی را در تهران تشکیل دادند و برای کمک به نهضت نوین فداکاری ها کردند و در اغلب جلسه های عمومی شرکت می جستند و مردها را به پایداری می خواندند و از بروز احساسات خودداری نمی کردند. (ملک زاده ، ۱۳۷۱: ۵۹۸) در شیراز که قوام الملک یکی از جمله مخالفان مشروطه خواهی بود مورد اعتراض قرار گرفت که حضور زنان نیز در این میان دیده می شود. گفته اند ستارخان تحت تاثیر نامه یکی از زنان تبریزی فرمان حمله به مقر مستبدان شهر تبریز را صادر کرد و در این حمله حداقل بیست زن کشته شدند (شیرودی ، ۱۳۸۴: ۸۵) سالارالسلطان پسر قوام در ملاقاتی که با کنسول انگلیس مقیم شیراز کرده بود چنین گفت زن های تبریز به زن های شیراز نامه نوشته و آن ها را ضد اعیان و اشراف تحریک به انقلاب کرده اند. در نتیجه ناامنی تعدیات

قوام‌الملک و اطرافیانش و مردم بازارها را بسته و تعطیل عمومی نموده‌اند و هزارها نفر در تلگراف-خانه متحصن شده‌اند و از مجلس تبعید قوام‌الملک را از شیراز درخواست نموده‌اند. (ملک زاده، ۱۳۷۱: ۴۵۰) زنان اصفهان نیز در اعتراض به کشتار زنان مشروطه‌خواه ماکو طلا و جواهر و آن چه که برای‌شان سرمایه بوده است را آورده‌اند تا به این طریق از آن‌ها رفع ظلم شود. (ناهید، ۱۳۶۰: ۶۹) گروهی از زنان تبریز زیر عنوان کمیته زنان طی تلگرافی وضع نابه‌سامان تبریز محاصره شده و خطری که مردم این شهر را تهدید می‌کرد، به کمیته زنان ایرانی مقیم استانبول گزارش می‌دهند. (همان: ۸۱) زنان در از میان برداشتن مخالفان نقش داشته‌اند سید محمد یزدی از کسانی بود که در بالای منبر به مخالفت با مشروطه سخن می‌گفت و ذهن‌های مردم را به ناسازگاری به مشروطه سوق میداد به دست یک زن مورد ترور قرار گرفت البته ناموفق بود. در همان موقعی که سید محمد یزدی در میدان و توپخانه بالای منبر می‌رفت و به انتقاد از مشروطه خواهان می‌پرداخت یک نفر زن از میان زن‌ها بلند شد و ششلولی از زیر چادرش بیرون آورد و سه تیر به سوی سید محمد یزدی خالی کرد. کسانی که گرد منبر سیدمحمد بودند به طرف آن زن هجوم بردند و او را با قدره قطعه قطعه کردند. (همان: ۵۶۹) زنانی که دارای سواد و معلومات بودند حتی در زمینه کار فرهنگی سعی می‌کردند در موافقت با آزادی خواهی و مشروطه خواهی قدم بردارند به صورتی که از جمله اقدامات خانم‌های آزادی‌خواه این بود که برای تعلیم و تربیت دختران با حمایت زیاد و صرف وقت و مال و تحصیل و اعانه و کمک چندین مدرسه دخترانه که هنوز باقی است، را تاسیس کرده‌اند. خانم‌هایی که تا حدی از سواد برخوردار بودند بدون مزد و اجر به صورت مجانی با شعور و شرف معلمی آن مدارس را برعهده می‌گرفتند. (ملک زاده، ۱۳۷۱: ۵۹۸)

### دستاوردهای مشروطه برای زنان

زنان که می‌شود نقش قابل‌ملاحظه‌شان را در پس از مشروطه دید، به تدریج مسائل خودشان نیز مطرح شد و حتی از مشروطه‌خواهان تقاضاهایی برای در نظر گرفتن حقوق‌شان مطرح کردند برای مثال زنان ایران از تظاهرات زنان انگلستان برای حق رای آگاه بودند این رویدادها را شهباز آزاد در روزنامه چاپ شیراز و صدیقه دولت آبادی در روزنامه چاپ اصفهان منتشر کردند که در تهران به دست عده‌ای می‌رسید. به طور قطع نیز زنان شهرستانی از مخالف و روزنامه‌های پایتخت مطلع می‌شدند (اتحادیه، ۱۳۸۹: ۸۱) روزنامه‌هایی که بلافاصله بعد از برقراری نظام مشروطیت در داخل کشور انتشار یافتند، همگی در بیداری زنان می‌کوشیدند و افکار مردان را به لزوم تربیت و آموزش دختران آماده می‌ساختند. (ناهید، ۱۳۶۰: ۲۹) ولی این خواسته‌های حق رای، با وجود حضور فعال زنان در انقلاب مشروطه، با موافقت روبرو نشد، چرا که ماده چهار نظام نامه انتخابات، آنان را در کنار محجورین، صغار، متکدیان و مرتکبین قتل و سرقت قرار داد و آن‌ها را از حق رای محروم کرد. (شیرودی، ۱۳۸۴: ۸۶) این بیداری و هوشیاری که در این دوره مشروطه برای زنان پدید آمده بود باعث شد که اینان در عرصه تعلیم و تربیت در مدرسه و داشتن روزنامه فعال باشند عده‌ای از زنان

نیکوکار باسواد و آگاه از خانواده‌های روشنفکر به تاسیس مدارس دخترانه پرداختند هم چنین گروهی از زنان نیز چند انجمن تشکیل دادند که در آن به سخنرانی و آگاهی دادن دیگران می‌پرداختند در همه این اقدامات تأکید می‌شد که هدف فرهنگی محدود است به تقاضاهای تحصیل و بهداشت چنان چه در مجلس شورای ملی با تقاضای تشکیل انجمن که زنان آن را اداره کنند مخالفت شد و روزنامه زنان که صدیقه دولت آبادی در اصفهان آن را منتشر می‌کرد و درباره مسائل سیاسی اظهار نظر می‌کرد توقیف شد. (اتحادیه، ۱۳۸۹: ۸۱) در واقع سیاسی شدن زنان و مشارکت‌شان در نهضت ملی خیلی زود ابعاد دیگری پیدا کرد و زنان خود مسائل‌شان را مطرح کردند نخستین گام‌ها ایجاد انجمن‌ها و مدارس زنان بود. (آفاری، ۱۳۸۵: ۲۳۹) پس از پیروزی جنبش مشروطیت و برتری سیاسی موج نوگرایی و رونق بازار افکار جدید، زمینه اجتماعی و فرهنگی تاسیس و گسترش مدارس دخترانه فراهم شد. در سال ۱۳۲۶ ه.ق/ ۱۲۸۷ ش طوبی آزموده به کمک میرزا حسن رشدیه مدرسه دخترانه ناموس را در خیابان شاهپور نزدیک چهار راه حسن-آباد تأسیس کرد. هر چند که تاسیس مدرسه پیامدهایی هم داشت مخالفان مدارس دخترانه رفتن دختران به مدرسه را مغایر مذهب می‌دانستند اشعاری انتقادی در مورد آن می‌سرودند و دختران مدرسه را به بی‌عفتی متهم می‌کردند. (فارسانی، ۱۳۷۸: ۱۴) افرادی که در زمینه تحصیل دختران فعالیت می‌کردند برای این که جلوی این تصور را که تحصیل دختران مغایر با علم است را بگیرند به تلاش‌های عمده‌ای دست زدند انتخاب اسامی این مدارس با نام‌های ناموس، عفاف، تربیت، حجاب، مخدرات اسلامی، عفتیه، مسطورات، پردیگان گویای نگرانی‌ها و واکنش‌های اجتماعی در مقابل تأسیس مدارس دخترانه بود و بنیان‌گذاران این مدارس با انتخاب چنین اسامی سعی می‌کرد اطمینان و اعتماد جامعه را به خود جلب کنند. (همان: ۱۴) نتیجه اساسی فعالیت زنان در راه تحصیل دختران و تبلیغاتی که در این موارد در مطبوعات انجام می‌شد منجر به این شد که تحصیل دختران جدی‌تر تلقی گردد در سال ۱۳۳۶ ه.ق ده مدرسه ابتدایی دختران تأسیس شده بود و مبلغان کاتولیک فرانسوی بعد از آذربایجان در تهران نیز مدرسه‌ای برای پسران سنت لویی و مدرسه‌ای نیز برای دختران به نام ژاندارک تاسیس کردند نوه‌های نجم‌السلطنه و دختران جوان فرمانفرما همگی در مدرسه ژاندارک درس خواندند که زنان تارک دنیای فرانسوی آن را ساماندهی می‌کردند به مرور حضور زنان پررنگ‌تر شد. (همان: ۸۹) در سال‌های نخستین پس از مشروطیت تعداد دبستان‌های دخترانه رو به افزایش گذاشت ولی تا اواخر دوره قاجاریه برای دوره اول متوسطه تنها مدرسه آمریکایی و مدرسه فرانسوی ژاندارک برای دختران وجود داشت و تعداد دانش‌آموزان آن حتی به ۲۰۰ نفر نمی‌رسید. (همان: ۱۶) دستاورد مشروطه‌خواهی زنان تنها به تاسیس مدارس منحصر نماند آن‌ها توانستند انجمن‌های مستقل به خود نیز تاسیس کنند که از فعالیت‌های سیاسی شان خبر می‌داد انجمن مخدرات وطن را شصت زن در ۱۹۱۰م در تهران

تأسیس کردند اعضای این انجمن از تحریم اجناس خارجی و منع وام گرفتن از خارجی‌ها حمایت کردند و در امور خیریه مانند تأسیس مدارس دخترانه، کلاس‌های سوادآموزی بزرگسالان و یتیم‌خانه، مشارکت کردند. در تهران در بسیاری از موارد با یکدیگر در تماس بودند و تبادل نظر می‌کردند. (آفاری، ۱۳۸۵: ۲۴۵) یکی از کارهای چشمگیر این انجمن ساختن یک مدرسه شبانه روزی برای دختران بی بضاعت بود این مدرسه در خیابان ولی آباد تهران قرار داشت و در حدود صد دانش‌آموز در آن جا به رایگان تحصیل می‌کردند از کارهای مهم دیگر انجمن وطن مخالفت قاطع با اولتیماتوم معروف روس وانگلیس بود که با برپایی گردهمایی بزرگی در جلوی مجلس انجام گرفت در این تظاهرات حتی زنان کفن پوشیده و سخنرانی‌های پر شوری در دفاع از وطن انجام دادند بانوان صدیقه دولت آبادی، دره المعالی، ماهرخ گوهرشناس، آغا شاهزاده امین، همسر ملک-المتکمین و همسر حاج میرزا حسن از اعضای این انجمن بودند. (ناهد، ۱۳۶۰: ۱۰۸)

### نتیجه گیری

پیش از انقلاب مشروطه و حوادثی که در ادامه آن روی داد حضور زنان در حوادث تاریخی چندان قابل ملاحظه نبود و حقوق زنان و اندیشه و آرمان‌های زنان نمی‌توانست در سطح وسیعی انعکاس یابد ولی آشنایی زنان با حقوق‌شان و افزایش معلومات خود باعث شد که زنان بتوانند به تدریج جایگاه خود را در سطح سیاسی و اجتماعی در اجتماع بیابند و حضور فعالی در حوادث سیاسی داشته باشند، البته گاه احساسات دینی و وابستگی‌شان به رهبران مذهبی باعث می‌شد که زنان به مانند مردان در حمایت از روحانیت مبارز با بیگانه و استبداد تلاش کنند، حضور مسلحانه زنان و فداکاری‌هایی که از آن‌ها در حوادث مشروطه گزارش شده است نشان می‌دهد که چه قدر مفهوم وطن‌خواهی و عشق به دیانت راستین در میان توده‌های مردمی نفوذ کرده است. به این ترتیب حتی زنان برای اجرای بیشتر خواسته‌های وطن خواهانه انجمن‌هایی را نیز برپا کرده‌اند تأسیس روزنامه‌ها و مدارس برای اولین بار در دوران مشروطه ایجاد شد و این بیانگر این است که زنان توانسته بودند نسبت به قبل حضور بیشتری در اجتماع داشته باشند و نقش سازنده خود را ایفا کنند هرچند در ابتدا حضور زنان در امر تعلیم و تربیت و عرصه‌های چون روزنامه‌نویسی و فعالیت‌های سیاسی با مخالفت‌هایی همراه می‌شد ولی زنان توانستند این حضور سازنده را تثبیت کنند و همراه و همگام با مردان در فعالیت‌های تاثیر گذار سیاسی و اجتماعی نقش داشته باشند.

### منابع

۱. اتحادیه، منصوره (۱۳۸۹)، زنانی که زیر مقنعه کلاه داری کردند (زندگی نجم السلطنه) تهران: نشر تاریخ ایران
۲. آفاری، ژانت (۱۳۸۵)، انقلاب مشروطه، ترجمه رضا رضایی، تهران: نشر بیستون

۳. ترابی فارسانی، سهیلا (۱۳۷۸)، اسنادی از مدارس دخترانه از مشروطیت تا پهلوی، تهران: انتشارات اسناد ملی ایران
۴. تاج السلطنه (۱۳۶۱)، خاطرات تاج السلطنه، محقق منصوره اتحادیه، تهران، نشر تاریخ ایران
۵. دولت آبادی، یحیی (۱۳۷۱)، حیات یحیی ج ۱، تهران: عطار
۶. شوستر، مورگان (۱۳۶۸) اختناق ایران، مترجم ابوالحسن موسوی شوشتری، چاپ ششم تهران: انتشارات صفی علیشاه
۷. شیروودی، مرتضی (۱۳۸۴) نقش اجتماعی زنان در جامعه معاصر ایرانی. پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۲
۸. عین السلطنه (۱۳۷۸) روزنامه خاطرات عین السلطنه، جلد سوم، محقق و مصحح مسعود سالور، ایرج افشار، تهران: نشر اساطیر
۹. کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۸۴) تاریخ بیداری ایرانیان، تهران: امیر کبیر
۱۰. کسروی، احمد (۱۳۸۳) تاریخ مشروطه، تهران: امیر کبیر
۱۱. ملک زاده، مهدی (۱۳۷۱) تاریخ انقلاب مشروطه جلد دوم، تهران: نشر علمی و فرهنگی
۱۲. ناهید، عبدالحسین (۱۳۶۰) زنان در جنبش مشروطه، تبریز: نشر احیا
۱۳. نجم آبادی، افسانه (۱۳۸۱) حکایت دختران قوچان (از یاد رفته های انقلاب مشروطه)، چاپ دوم تهران: انتشارات روشن گران و مطالعات زنان تهران
۱۴. یغمایی، اقبال (۱۳۷۶) شهید راه آزادی سید جمال واعظ، تهران: نشر توس



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی